



همسایگی طالبان: دیپلماسی منطقه ای با افغانستان

انکار طالبان از حقوق اولیه زنان و دختران افغان و تحمیل قوانین سختگیرانه اجتماعی از زمان بازگشت به قدرت در اگست ۲۰۲۱، احتمال به رسمیت شناختن رژیم آنها توسط سازمان ملل و سایر نهادهای بین المللی را از بین برد. اما حتی زمانی که دیپلمات‌های غربی ملاقات‌های خود را با طالبان لغو کردند، بازیگران منطقه‌ای به دنبال معاملات بیشتر با کابل بودند. برخی رفتار طالبان با زنان و دختران، به‌ویژه ممنوعیت تحصیلات متوسطه و عالی دختران را محکوم کرده‌اند، اما به طور کلی مقامات منطقه‌ای تمایل دارند بر حقوق زنان و دختران تأکید نداشته باشند. مقامات منطقه متقاعد شده‌اند که بهترین راه برای تأمین منافع کشورهایشان و تعدیل رفتار طالبان در دراز مدت، مشورت صبورانه با کابل است، نه طردکردن آن. به نظر می‌رسد که کانال‌های بین کابل و پایتخت‌های منطقه بهترین امیدها را برای تعامل دیپلماتیک در سال‌های آینده به طالبان پیشکش میکند.

با این همه، همکاری‌های منطقه‌ای از آنچه که برخی از همسایگان افغانستان می‌خواستند محدود بوده است. برخی امیدوار «معامله بزرگ» بودند که به رسمیت شناختن دیپلماتیک را در ازای اقدام طالبان به تشکیل یک دولت فراگیرتر تبادل کند، به خصوص از طریق توانمندسازی سیاستمداران افغان که در گذشته در مخالفت با طالبان از آنها حمایت مینمودند و با آنها دوست باقی مانده‌اند. با وجود این طالبان همه تلاش‌ها برای ترغیب شان به وارد کردن دشمنان سابق در کابینه را رد کردند. بنابراین اکثر بازیگران منطقه‌ای به تعامل مقطعی با کابل که موضوعات خاص را مورد بررسی می‌کند رضایت داده‌اند. این رویکرد بیشتر بر اساس ضرورت و نه طراحی، با ترجیح خود طالبان برای روابط مبادلاتی که از پس منظر آنچه که آنها به عنوان مداخله خارجی در امور افغانستان پنداشته دوری می‌کند، همسو می‌باشد. صحبت‌های طالبان در مورد احترام به ارزش‌های فرهنگی متنوع و بدایل نظم جهانی «تحمیلی غرب» با منافع قدرتهای منطقه‌ای که خودشان از اصول حاکمیت و چند قطبی بودن درامور بین المللی دفاع می‌کنند همخوانی دارد.

در راس دستور کار منطقه‌ای مسائل مربوط به امنیت است. مقامات منطقه‌ای روش‌های جدید کابل را برای کنترل گروه‌های شبه‌نظامی اسلامیست با درجات متفاوتی از تردید و نگرانی ملاحظه کرده‌اند. پس

موضوع جدید چیست؟ طالبان که عمدتاً توسط قدرت‌های غربی منزوی شده‌اند، به دنبال ایجاد روابط نزدیک‌تر با پایتخت‌های خارجی هستند. این کشورها نمی‌توانند به سادگی نه بگویند: آنها باید در مسائل امنیتی و اقتصادی با طالبان معامله کنند. با وجود این، به دلیل بی‌اعتمادی و موانع ناشی از تحریم‌های غرب، تعامل منطقه‌ای محدود است.

چرا مهم است؟ اختلال در روابط بین افغانستان و همسایگانش بر زندگی و معیشت در سراسر آسیای جنوبی و مرکزی تأثیر می‌گذارد. کابل و شرکای منطقه‌ای آن باید راه‌های گسترش تجارت، مدیریت اختلافات بر سر آب و سایر منابع مشترک و مبارزه با نظامیگری فراملی را بررسی کنند. شکست می‌تواند باعث بی‌ثباتی در یک منطقه وسیع شود.

چه کار باید صورت گیرد؟ به جای عقب نشینی از چالش‌های متعدد مقابله با طالبان سرسخت، پایتخت‌های منطقه باید به توسعه یک قالب کاملاً تعریف شده برای همکاری‌های امنیتی گسترده و یکپارچگی اقتصادی ادامه دهند. کشورهای غربی باید از چنین تلاش‌هایی حمایت کنند - یا حداقل از مسدود کردن آنها خودداری ورزند.

از آنجایی که اکثر کشورهای جهان به دلیل نقض حقوق زنان و دختران از طالبان دوری می‌ورزند، کشورهای منطقه در اطراف افغانستان برای رفع نیازهای خود برای امنیت و ثبات اقتصادی با این رژیم معامله می‌کنند. این منطقه، همانطور که طالبان به طور کلی آن را تعریف می‌کنند، «قاره‌های اوراسیا» را در بر می‌گیرد، از چین در شرق تا ترکیه در غرب و از روسیه در شمال تا هند و پادشاهی‌های خلیج در جنوب. و کشورهای نزدیک‌تر از جمله کشورهای آسیای مرکزی، ایران و پاکستان امتداد می‌یابد. طالبان، مانند حاکمان قبلی افغان، افغانستان را پلی می‌دانند که همه این مکان‌ها را به هم وصل می‌کند. سیاست‌های کشورهای منطقه در قبال طالبان بسیار متفاوت است، اگرچه همه معتقدند که تماس با رژیم ضروری است، اما تعامل آنها تا کنون محدود است. کابل و شرکای منطقه‌ای آن در تلاشند تا یک روش حیاتی را در مورد موضوعات مورد علاقه دوجانبه ایجاد کنند، که از تقویت تجارت گرفته تا مدیریت اختلافات بر سر آب و توقف نظامیگری فراملی را شامل می‌شود. این یک تلاش دشوار است، اما تلاشی است ارزشمند و غرب نباید مانعی برای آن باشد.

منطقه می تواند نفوذ منطقه ای را افزایش دهد، مخالفان دیپلماسی را در میان طالبان آرام کند و قدرت بالفعل را به یک نهاد قابل پیش بینی تر تبدیل نماید. بسیاری از طالبان، به نوبه خود، این ادغام را راهی برای رفاه بیشتر برای افغانستان و طول عمر بیشتر برای رژیم خود می پندارند

با این حال، عوامل متعددی مانع همکاری اقتصادی بین کابل و منطقه می شود. محدودیت ها و تحریم های اقتصادی همچنان سرمایه گذاری خصوصی را سرکوب می کند. تمایل برخی از کشورهای اهداکننده برای محدود کردن کمک ها به کمک های بشردوستانه، و تلاش های برخی برای جلوگیری از کمک های توسعه ای به طور کلی نیز در این امر مؤثر است. منابع محدود برخی از کشورهای منطقه، همراه با ناتوانی در جلب حمایت مالی خارجی، مانع همکاری جدی اقتصادی میان افغانستان و منطقه می شود. به همان اندازه مهم، فقدان یک چارچوب قانونی در افغانستان اعتماد بخش خصوصی را در این کشور همچنان تضعیف می کند، مخصوصاً زمانی که طالبان دست به بازنگری موقتی و مرموز قوانینی میزنند که از دوره حکومت جمهوری که آنها سرنگون کرده است به ارث برده اند

برخی از اقدامات طالبان، از جمله ایجاد زیرساخت های آبی بدون هماهنگی با کشورهای پایین آب، تنش هایی را با همسایگان افغانستان، به خصوص ایران و ازبکستان، به وجود آورده است. اختلافات گهگاه به درگیری بین طالبان و نیروهای امنیتی کشورهای همسایه آنها منجر شده است. در چنین فضای تب آلود، دولت های منطقه ممکن است وسوسه شوند که جاه طلبی های خود برای تعامل با طالبان را کاهش دهند. با این حال، انجام این کار احتمالاً حل چنین مشکلاتی را دشوارتر می کند و راه حل های بالقوه را برای سایر چیلنج هایی که همسایگان در افغانستان با آن روبرو هستند از دسترس دورتر می سازند

بسیاری از گام ها به سمت همکاری های منطقه ای مستقیماً شامل کمک کنندگان غربی نمی شود، اما این کشورها در نتایج آن سهیم اند، مخصوصاً اروپایی ها از منطقه ای باثبات و خودکفا که منبع اصلی مواد مخدر، مهاجران غیرقانونی یا تروریسم نیستند، سود خواهند برد. هنوز تحریم ها و سایر اقداماتی که از غرب منشأ می گیرند و هدفشان نشان دادن مخالفت با طالبان است، موانعی بر سر راه روابط کارآمدتر بین کابل و پایتخت های منطقه هستند. خواه رأی گیری در بانک جهانی در مورد یک پروژه آب باشد، یا مجوز ارسال تجهیزات به مرزبانان طالبان، علیرغم تحریم ها، پیشرفت زیادی به حمایت غرب بستگی دارد - یا حداقل، رضایت آن. در حالی که چنین گام های عملی نباید متضمن به رسمیت شناختن رژیم طالبان باشد، اما به صلح، ثبات و امنیت منطقه کمک می کند

یرونج 30، لس کورب/ل ب اک 2024

از تسلط طالبان، همسایگان افغانستان می ترسیدند که خشونت از مرزهای آنها به مناطقی مانند کشمیر تحت کنترل هند یا دره فرغانه در آسیای مرکزی سرایت کند. ثابت شد که این نگرانی ها اغراق آمیز است. همانطوریکه طالبان تسلط خود بر کشور را مستحکم کرد، ستیزه جویی گسترش نیافت. استثنای اصلی پاکستان است، جایی که حملات تحریک طالبان پاکستان (TTP) در دو سال اول قدرت طالبان بالا رفت و به طور قابل توجهی تنش ها را با اسلام آباد افزایش داد. طالبان از یک کتاب بازی ستندرد برای پاسخ به نگرانی های منطقه ای در مورد تقریباً همه گروه های ستیزه جو استفاده کرده اند: کابل از کشتن یا دستگیری ستیزه جویان مظنون خودداری نموده. در عوض، در تلاش برای محدود کردن جاه طلبی ها و در هم شکستن ساختارهای فرماندهی شان آنها را دوباره جابه جا نموده و در ایجاد زندگی جدید از آنان حمایت میکند

اولین قدم به سوی همکاری امنیتی بهتر منطقه ای می تواند کاهش لفاظی ها از همه طرف ها و توافق بازیگران بر روی مجموعه ای از حقایق باشد، حتی اگر اولویت های متفاوتی داشته باشند. نیروهای طالبان در مقابله با خطرناک ترین جهادی ها، کسانی که به دولت اسلامی ولایت خراسان (IS-KP) وفادار هستند، بهتر عمل کرده اند، اما حتی در آن صورت، طالبان اعتماد کافی را با شرکای منطقه ای برای اشتراک آزادانه اطلاعات ایجاد نکرده اند. بخشی از مشکل این است که بین چگونگی برخورد کابل با اکثر گروه های شبه نظامی اسلام گرا در افغانستان و آنچه که منطقه دوست دارد کابل با آنها چگونه برخورد کند شگاف اساسی وجود دارد. غلبه بر این شکاف مستلزم ایجاد یک پلیت فارم مشترک برای بحث در مورد نگرانی های امنیتی منطقه ای و یک رویکرد مشترک برای رسیدگی به چیلنج ها است. همه طرف ها از بهبود مدیریت مرزی، ادغام گمرکی و تعیین مرزهای ناهموار افغانستان سود خواهند برد

حوزه اصلی سایر همکاری های منطقه ای اقتصادی است. دهه ها جنگ در افغانستان ایده های افزایش تجاری برای رقابت با راه های ابریشم قدیمی را کنار گذاشت. اما همین که پیروزی نظامی طالبان ثبات بیشتری را به ارمغان آورد، و مقامات بالفعل شروع به مبارزه با فساد کردند اینها دوباره ارزش خود را به دست آوردند. پایتخت های منطقه ای اکنون در حال مشاهده بارقه هایی از فرصت های تجاری اقتصادی هستند. آن ها طرح های دیرینه برای انتقال لاری ها، واگن های ریل، گاز و برق را از سرحدات دور می کنند. طالبان برای شروع کار روی چنین پروژه هایی بی صبر هستند، اگرچه برخی از موانع آنقدر زیاد استند که در کوتاه مدت غیرقابل عبور خواهند بود

منطق برای اتصال بهتر اقتصادی منطقه ای، مخصوصاً در بخش انرژی که کشورهای آسیای مرکزی در جستجوی بازارهای جدید هستند در حالی که آسیای جنوبی به منابع جدید نفت، گاز و برق نیاز دارند بسیار زیاد است. به همان اندازه مهم، منطقه دلایل استراتژیک برای تشویق سرمایه گذاری در افغانستان را به عنوان بخشی از برنامه ریزی بلندمدت برای یکپارچگی اقتصادی دارد که به نوبه خود به ثبات منطقه کمک می کند. برخی از بازیگران منطقه ای فکر می کنند که ادغام افغانستان در ساختار اقتصادی